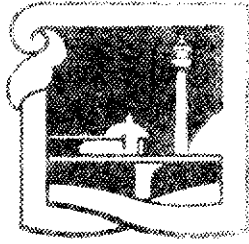


میزان خواجه

سال سوم - شماره ۳ و ۴



پیشگام
پیشگام



وقف مسلمان بر کافر

محمد رحمانی

مقدمه

در کتاب وقف مباحث فراوان و گوناگون اجتماعی و اخلاقی وجود دارد؛ از جمله آنها مسأله «وقف مسلمان بر کافر» است. این بحث آثار و نتایج فراوانی در پی دارد؛ از جمله روح خیرخواهی، نوع دوستی، همزیستی مسالمت آمیز، صلح، صفا و صمیمیت، مهربانی و عطف و خلاصه جهانی بودن قوانین اسلام را نشان می‌دهد. با آنکه این بحث از دیر باز مورد توجه فقیهان بوده، هنوز جای بحث و تحقیق فراوان در آن باقی است.

شیخ مفید (در گذشته به سال ۴۱۳ هـ ق) در کتاب مقنعه می‌نویسد:

«لا بأس ان یقف المسلم علی ابویه وان کانا کافرین
وعلی ذوی ارحامه من الکفار ولا یجوز وقفه علی کافر لا
رحم بینه وینه.»^۱

«وقف مسلمان بر پدر و مادرش - اگر چه کافر باشند - بی اشکال است و نیز بر خویشاوندان نسبی کافر، ولی وقف مسلمان بر کافر غیر خویشاوند نسبی جایز نیست.»

ابی الصلاح حلّی (در گذشته به سال ۴۴۷ هـ ق) در کتاب الکافی فی الفقه می‌نویسد:

«ولا یحلّ لمسلم محقّ أن یتصدّق علی مخالف للاسلام
أو معاند للحقّ إلا أن یكون ذا رحم ولا یوقف علی شیء من
مخالهم.»^۲

«صدقه دادن مسلمان بر حق، به مخالف اسلام یا دشمن حق حلال نیست، مگر اینکه خویشاوندان نسبی باشند و مسلمان نباید بر مصالح کفار وقف کند.»

شیخ طوسی (در گذشته به سال ۴۶۰ هـ ق) در کتاب النهایة می‌نویسد:

«ولا بأس أن یقف المسلم علی والدیه أو ولده أو من
بینه وینه رحم وإن کانوا کفّاراً ولا یجوز وقفه علی کافر لا
رحم بینه وینه علی حال.»^۳

«وقف مسلمان بر پدر و مادر و فرزند و خویشاوندان نسبی بی اشکال است، اگر چه آنها کافر باشند، ولی وقف مسلمان بر کافر غیر خویشاوند نسبی در هر صورت جایز نیست.»

۱- ینابیع الفقهیه، ج ۱۲، ص ۱۸.
۲- همان، ص ۵۲.
۳- همان، ص ۶۰.



بر دشمنان حق جایز نیست، مگر اینکه خویشاوند نسبی باشند».

ابن ادریس حلی (در گذشته به سال ۵۹۸ ه. ق) در کتاب السرائر می نویسد:

«لا یصحُّ أن یقف الإنسان علی شیء من معابد أهل الضلال ولا علی مخالف للاسلام أو معاند للحق غیر معتقد له إلا أن یكون أحد والديه»^{۱۰}

«وقف بر عبادتگاه‌های گمراهان و بر مخالفین اسلام و دشمنان حق که بدان عقیده ندارند صحیح نیست، بجز در مورد پدر و مادر».

علامه حلی (در گذشته به سال ۷۲۶ ه. ق) در کتاب قواعد الاحکام فی مسائل الحلال والحرام می نویسد:

«وفي وقفه علی الذمّي خلاف والأقرب المنع فی الحربي والصحة فی المرتد عن غیر فطرة»^{۱۱}

«در صحت وقف مسلمان بر کافر ذمی اختلاف است. قول نزدیک به واقع بطلان در مورد کافر حربی و صحت در کافر مرتد ملئی است».

نقل این مقدار از اقوال اصحاب قدما که نظر آنها از روایات اخذ شده برای روشن شدن تاریخ مسأله کافی است. از این اقوال به خوبی روشن می‌گردد که بحث از دیر باز در میان فقها مورد توجه بوده است.

اقوال

بعد از بیان تاریخ بحث لازم است اقوال فقها را بررسی کنیم. اقوال و نظریات فقها در این بحث مختلف و گوناگون است. و ممکن است بیش از آن باشد که در این نوشته مورد بحث واقع شده است، اما برای اختصار، در این نوشته فقط به نظریات و اقوالی پرداخته می‌شود که از اهمیتی برخوردار باشد.

قول اول:

وقف مسلمان بر کافران باطل است، اگر چه پدر و مادر واقف باشند.

سلار (در گذشته به سال ۴۶۳ ه. ق) در مراسم می نویسد:

«وقف مسلمان بر کافر باطل است، اگر چه روایت شده وقف مسلمان بر کافر خویشاوندی جایز است، ولی نظری اول پا بر جاتراست»^{۱۲}

قاضی ابن براج (در گذشته به سال ۴۸۱ ه. ق) در المهذب می نویسد:

محقق حلی (در گذشته به سال ۶۷۶ ه. ق) در کتاب شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام می نویسد:

«ولا یقف المسلم علی الحربی ولو کان رحماً ویقف علی الذمّي ولو کان أجنبیاً»^۴

«وقف مسلمان بر کافر حربی صحیح نیست، اگر چه خویشاوند نسبی باشد و وقف مسلمان بر کافر ذمی صحیح است، اگر چه خویشاوند نباشد».

و در مختصر التافع می نویسد:

«ولا یقف المسلم علی الحربی ولو کان رحماً ویقف علی الذمّي ولو کان أجنبیاً»^۵

«وقف مسلمان بر کافر حربی صحیح نیست، اگر چه خویشاوند نسبی باشد و وقف مسلمان بر کافر ذمی صحیح است، اگر چه خویشاوند نباشد».

شیخ ابی زکریا یحیی بن سعید الهذلی (در گذشته به سال ۶۸۹ یا ۶۹۰ ه. ق) در کتاب الجامع للشرایع می نویسد:

«ولا یصح الوقوف علی الکافر إلا إذا الرحم»^(۶).

«وقف مسلمان بر کافر صحیح نیست بجز در مورد خویشاوندان نسبی».

عبد العزیز الدیلمی مشهور به سلار (در گذشته به سال ۴۶۳ ه. ق) در کتاب المراسم العلویة می نویسد:

«أما وقف المؤمن علی الکافر فباطل وقد روی أنه ان کان الکافر احد ابوی الواقف او من ذوی رحمه کان جائزاً والاول اثبت»^۷

اما وقف مسلمان بر کافر باطل است؛ گرچه روایت شده است که اگر کافر پدر و مادر یا خویشاوند نسبی باشد وقف جایز است، ولی قول اول پا بر جاتر است».

ابن زهره حلبی (در گذشته به سال ۵۸۵ ه. ق) در کتاب غنیة النزوع الی علم الاصول والفروع می نویسد:

«فلا یصحُّ أن یقف علی شیء من معابد أهل الضلال ولا علی مخالف للاسلام او معاند للحق إلا أن یكون ذا رحم له»^۸

«وقف مسلمان بر عبادتگاه‌های گمراهان و بر مخالفین اسلام و بر دشمنان حق صحیح نیست؛ بجز در مورد خویشاوندان نسبی».

سلیمان بن حسن در اصباح الشریعة می نویسد:

«فلا یصحُّ أن یقف علی شیء من معابد أهل الضلال ولا علی مخالف الاسلام ولا علی معاند للحق إلا أن یكون ذا رحم»^۹

«وقف بر عبادتگاه‌های گمراهان و بر مخالفین اسلام و

۴- همان، ص ۲۹۵.

۵- همان، ص ۳۳۶، مختصر النافع، ج ۱، ص ۱۵۷، انتشارات کتابفروشی مصطفوی.

۶- همان، ص ۳۳۵.

۷- همان، ص ۱۷۹، مراسم از جوامع الفقیه، ص ۶۵۱، انتشارات جهان.

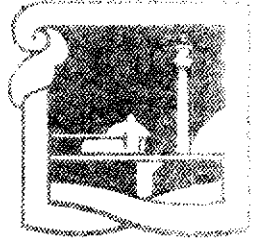
۸- همان، ص ۱۷۶، سرائر، ج ۳، ص ۱۶۶، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۹- همان، ص ۲۰۱.

۱۰- همان، ص ۲۲۲.

۱۱- همان، ص ۳۷۰.

۱۲- مراسم از جوامع الفقیه ص ۶۵۱.



«وقف مسلمان بر کافر جایز نیست؛ اگر چه جواز وقف مسلمان بر والدین کافر نقل شده، ولی نظر صحیح، عدم جواز است.»

فخر المحققین (در گذشته به سال ۷۷۱ هـ ق) در ایضاح الفوائد می نویسد:

«قول قوی بطلان وقف مسلمان بر کافر است اگر چه پدر و مادر باشند.»^{۱۳}

و از قائلین به این قول می توان از شهید در حاشیه ارشاد نام برد.^{۱۴}

ادله قول اول:

۱- قوله تعالی: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ﴾ (مجادله: ۲۲).

«نمی یابی گروهی را که ایمان به خدا و روز واپسین آورده اند دوستدار کسانی که به خدا و فرستاده اش دشمنی کرده اند، اگر چه پدران یا فرزندان و یا برادران آنها باشند.»

بیان دلالت:

آیه صریحاً نهی می کند از ارتباط با مخالفین و دشمنان خدا و رسولش و اظهار علاقه به آنها و بی شک چون وقف یک نوع اظهار محبت و علاقه نسبت به موقوف علیه است مورد نهی است، و چیزی که مورد نهی است اطاعت و عبادت نیست.

جواب:

اولاً: هرگونه محبت و علاقه به کفار مورد نهی نیست، بلکه مورد نهی محبت و علاقه ای است که به جهت مخالفت آنها با خدا و رسول باشد. چنانچه هرگونه محبت و علاقه ای حرام باشد باید بسیاری از آداب اجتماعی مثل سلام کردن، تعارفات معمولی و دادوستد نیز حرام باشد و کسی به این مطلب ملتزم نمی شود، بلکه دوستی و علاقه چنانچه سبب تألیف قلوب و جذب آنها گردد امری راجح و پسندیده است.

ثانیاً: به فرض اینکه آیه، هرگونه محبت و علاقه به کفار را نکوهش کند این اطلاق تخصیص می خورد به آیه ﴿لَا يَهْتَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ﴾ (ممتحنه: ۹)

«خداوند شما را نکوهش نمی کند تا نسبت به کسانی که با شما در دین نجنگیده اند و شما را از دیارتان بیرون نرانده اند خوبی کنید و با آنها به عدل رفتار کنید. همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.»

ثالثاً: ادله جایز نبودن قطع صلّه رحم با پدر و مادر کافر

و ادله لزوم ردّ وصیت به کافر و ادله استحباب صدقه دادن به کافر این آیه را تخصیص می زند، زیرا دلالت آیه بر جایز نبودن وقف بر کافر به اطلاق و مقدمات حکمت است و این ادله صریح و نص اند.

رابعاً: به فرض آنکه بپذیریم وقف بر کافر مشمول اطلاق آیه است، این نهی تکلیفی است و موجب بطلان نمی گردد. از این رو فقها، از جمله شهید صدر می فرمایند: «چنانچه وقف مسلمان بر کافر سبب کمک بر معصیت گردد محکوم به حکم اعانه بر اثم می شود، ولی وقف صحیح است.»^{۱۵}

۲- شرط صحت وقف قصد قربت است و در مورد وقف بر کافر قصد قربت ممکن نیست، زیرا امر ندارد.

محقق طباطبائی (در گذشته به سال ۱۲۳۸ هـ ق) در کتاب ریاض می نویسد: «وقف مسلمان بر کافر مشمول اطلاق ادله وقف نیست، زیرا از شرایط صحت وقف قصد قربت است و چون در مورد وقف بر کافر هیچ گونه امری و هیچ عنوانی مثل امر به وقف یا صدقه یا احسان به کافر در کتاب و سنت نیامده است، نمی تواند با قصد قربت همراه شود.»^{۱۶}

جواب:

اولاً: اطلاق ادله استحباب وقف، صدقه، احسان و عمل به معروف و اطلاق آیه ﴿لَا يَهْتَكُمُ اللَّهُ...﴾ دلالت دارد بر اینکه وقف مسلمان بر کافر مورد طلب و خوراست شارع است.

ثانیاً: قصد قربت - به فرض اینکه شرط صحت وقف باشد - بستگی به ورود امر ندارد، بلکه قصد ملاک کافی است، زیرا وقف محبوب مولی است، اگر چه بر کافر باشد. ثالثاً: صحت وقف بستگی به قصد قربت ندارد، چون وقف تملیک است و تملیک از امور توصلی است. حضرت امام (ره) در تحریر الوسیله می فرمایند: «اقوی این است که در وقف حتی در وقف عام قصد قربت لازم نیست.»^{۱۷}

قول دوم:

وقف مسلمان بر کافر در صورتی صحیح است که کافر پدر یا مادر واقف باشد.

ابن ادریس (در گذشته به سال ۵۹۸ هـ ق) در سرائر می نویسد: «وقف مسلمان بر کافر باطل است، بجز در مورد پدر و مادر.»^{۱۸}

ابن ادریس در جای دیگری از سرائر به جواز وقف

۱۳- المهذب، ج ۲، ص ۸۸، مؤسسه النشر الاسلامی.

۱۴- ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، ج ۲، ص ۳۸۸

، مؤسسه مطبوعات اسماعیلیان.

۱۵- حاشیه منهاج الصالحین، قسم المعاملات، سید محسن حکیم، ج ۲، ص ۲۵۱.

۱۶- ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلالت، ج ۲، ص ۲۴.

مؤسسه آل البيت (ع).

۱۷- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶.

۱۸- سرائر، ج ۳، ص ۱۶۷.



- ۱۹- سرائر، ج ۳، ص ۱۶۰.
 ۲۰- شیخ مفید، المقننه، ص ۶۵۳، مؤسسة النشر الاسلامی.
 ۲۱- ابی صلاح حلبی، الکافی فی الفقه ص ۳۲۶، تحقیق رضا استادی، منشورات مکتبه امیر المؤمنین (ع).
 ۲۲- ابن حمزه، الوسیله، ص ۳۷۰، تحقیق شیخ محمد الحسون، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
 ۲۳- یحیی بن سعید حلبی، الجامع للشرایع، ص ۳۹۹، تحقیق و تخریج عده‌ای از فضلا، منشورات سید الشهداء.
 ۲۴- مسبوط، ج ۳، ص ۲۹۴، نهایه، ص ۵۹۷.
 ۲۵- غنیة النزوع از منابع الفقهیه، ج ۱۲، ص ۱۷۵.
 ۲۶- سرائر، از منابع الفقهیه، ص ۲۲۲، ج ۱۲.
 ۲۷- جامع المقاصد، ج ۹، ص ۴۷، شرایع، ج ۲، ص ۲۱۴، منشورات اعلمی.
 ۲۸- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۲۹- مراسم از منابع الفقهیه، ج ۱۲، ص ۷۹.
 ۳۰- کتاب الخلاف، ج ۳، ص ۵۴۵.
 ۳۱- جامع المقاصد، ج ۹، ص ۵۰.
 ۳۲- جواهر، ج ۲۸، ص ۳۳.
 ۳۳- المسغنی علی مختصر الخرقی، ج ۵، ص ۳۸۵، چاپ دار الکتب العلمیه.
 ۳۴- وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۵، ص ۲۴۸، باب ۱۹، اسرار النسقات، ج ۳، منشورات المکتبه الاسلامیه.

علامه حلی (۲۸) و سلار (۲۹).

ادله قول سوم:

- ۱- ادعای اجماع: شیخ طوسی در خلاف می‌نویسد: «وقف بر اهل ذمه در صورتی که از خویشاوندان نسبی باشند جایز است. دلیل بر مدعا اجماع فرقه (شیعه) است.»^{۳۰}
- ۲- ادعای شهرت: محقق ثانی (در گذشته به سال ۹۴۰ ه. ق) در جامع المقاصد می‌نویسد: «مشهور اکتفا کرده‌اند در جواز وقف بر کافر به ذمی خویشاوند نسبی.»^{۳۱}
- ۳- روایت مرسله: صاحب جواهر (در گذشته به سال ۱۲۶۶ ه. ق) می‌نویسد: صاحب غنیه نسبت به جواز وقف بر کافر ذمی خویشاوندی ادعای نفی خلاف کرده، زیرا روایت مرسله بر آن دلالت دارد و آن روایت این است: «أَنَّ الصّیفة و قفّت علی أخی لها یهودی فآقرها النبی صلی الله علیه وآله».
- «صفیة زوجة رسول الله (ص) بر برادر یهود خود چیزی را وقف کرد و رسول الله (ص) نیز آنرا امضا نمود.»^{۳۲}
- این قدامه (در گذشته به سال ۶۲۰ ه. ق) در کتاب مغنی این روایت را نقل کرده، ولی جمله «فآقرها النبی» را ندارد.^{۳۳}
- ۴- با روایات وارده در باب صلوة رحم نیز بر قول اخیر استدلال شده، و این روایات زیادتند از جمله: «موتقة اسحاق بن عمار: قال، سمعت أبا عبد الله علیه السلام یقول: انّ صلوة الرحم والبرّ لیهونان الحساب و یعصمان من الذنوب فصلوا أرحامکم و برّوا باخوانکم ولو بحسن السلام وردة الجواب.»^{۳۴}
- اسحاق بن عمار می‌گوید، شنیدم امام صادق (ع) می‌فرماید: صلوة رحم و نیکی کردن حساب را آسان می‌کند و مانع گناه می‌شود. از این رو با خویشان صلوة رحم و با برادران نیکی کنید، اگر چه با خوب سلام کردن و جواب دادن آن باشد.
- برای اطلاع بیشتر از این روایات به بحار، ج ۷۱ و ۷۴ طبع بیروت و وسایل و مستدرک الوسایل، ابواب النسقات مراجعه شود.
- دلالت روایت به اطلاق است، زیرا اطلاق نیکی کردن شامل وقف می‌شود.
- ۵- روایت مرسله دیگری به نقل ابن ابی جمهور در عوالی اللثالی: «روی عنه - صلی الله علیه وآله - انه قال: علی کل کبد حرّی اجر» و به نقل دیگر: «علی کل کبد رطبة

مسلمان بر کافر ذمی خویشاوند^{۱۹} اگر چه پدر و مادر نباشد تصریح کرده است، با این همه فقها این قول را به او نسبت داده‌اند.

ادله قول دوم

تمام ادله‌ای که برای اقوال بعدی بیان خواهد شد شامل این نظر نیز می‌شود، اما دلیل اختصاصی این قول استدلال به ادله زیر است:

۱- آیه شریفه «صاحبهما فی الدنیا معروفاً» «با پدر و مادر در دنیا به نیکی رفتار کن» (لقمان: ۱۵)

این آیه اطلاق دارد؛ هم از جهت اینکه شامل پدر و مادر مسلمان وهم شامل پدر و مادر کافر می‌شود وهم از جهت اینکه «معروف» شامل هر نیکی از جمله وقف می‌گردد.

۲- آیه «ووصینا الانسان بوالدیه احساناً» «سفارش ما به انسان نسبت به پدر و مادر نیکی کردن است.» (احقاف: ۱۵)

نحوه دلالت این آیه همانند آیه قبلی است. از آنجا که این قول قدر متیقن تمام اقوال است در مورد صحیح و ناصحیح بودن آن بحث نمی‌کنیم.

قول سوم:

وقف مسلمان بر کافر ذمی در صورتی که خویشاوند نسبی (ذات رحم) باشد صحیح است.

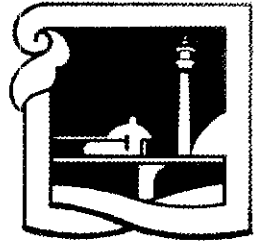
شیخ مفید در کتاب مقننه می‌نویسد: «وقف مسلمان بر پدر و مادر اگر چه کافر باشند جایز است و نیز وقف مسلمان بر کافر خویشاوند نسبی (ذات رحم) جایز است، ولیکن وقف مسلمان بر کافر غیر خویشاوند نسبی باطل است.»^{۲۰}

ابی الصلاح حلبی (در گذشته به سال ۴۴۷ ه. ق) می‌نویسد: «صدقه (وقف) مسلمان بر مخالف اسلام (کافر) یا دشمن حق جایز نیست، مگر در مورد خویشاوندان نسبی (ذات رحم).»^{۲۱}

ابن حمزه (در گذشته به سال ۵۸۰ ه. ق) در وسیله می‌نویسد: «وقف در چهارده مورد جایز نیست، از جمله وقف مسلمان بر کافر بجز از خویشاوندان نسبی (ذات رحم).»^{۲۲}

یحیی بن سعید حلبی (در گذشته به سال ۵۶۹۰ ه. ق) در کتاب الجامع للشرایع می‌نویسد: «وقف مسلمان بر کافر صحیح نیست، مگر در مورد خویشاوندان نسبی (ذات رحم).»^{۲۳}

دیگر قائلین به این قول عبارت‌اند از شیخ طوسی (۲۴)، ابن زهره حلبی (۲۵)، ابن ادریس حلبی (۲۶)، محقق ثانی (۲۷)،



اجر^(۳۵). (سیراب کردن جگر تشنه پاداش دارد.)

نحوه دلالت این مرسله عبارت است از اینکه: مقصود از این جمله معنای کنایی آن است و امام (ع) می‌خواهد بفرماید: هر نیکی - اگر چه به کافر - اجر و پاداش دارد.

۶- اطلاق آیه ﴿وَلَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾. (ممتحنه: ۸)

«خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین جنگ نکرده‌اند و از خانه‌هایتان بیرون‌تان نکرده‌اند نهی نمی‌کند از اینکه به آنها نیکی کنید و نسبت به آنها عدالت به خرج دهید».

دلالت آیه بر مدعا روشن است، زیرا خداوند می‌فرماید: بغیر از کسانی که با شما جنگیده‌اند و کسانی که شما را از خانه‌هایتان بیرون کرده‌اند با دیگران - اگر چه کافر باشند - به نیکی و عدالت رفتار کنید.

به نظر می‌رسد دلالت این ادله بر قوله سوم فی الجمله تمام است، ولی این مطلب که وقف مسلمان بر کافر در خصوص کافر ذمی خویشاوند صحیح است و در غیر آن باطل است نادرست است، زیرا در بحثهای بعد ثابت می‌شود که مورد حجت فراگیرتر از قول سوم است.

قول چهارم:

وقف مسلمان بر کافر ذمی به طور مطلق جایز است، اعم از اینکه کافر پدر و مادر واقف باشد یا نباشد و اعم از اینکه کافر ذمی خویشاوند نسبی (ذات رحم) باشد و یا نباشد.

محقق حلی (در گذشته به سال ۶۷۶ هـ ق) در شرایع می‌نویسد: «وقف مسلمان بر ذمی جایز است»^{۳۶}. شهید (در گذشته به سال ۹۶۶ هـ ق) در مسالک می‌نویسد: «در وقف مسلمان بر ذمی چند قول هست: قول مصنف (علامه حلی) یعنی جواز به طور مطلق خالی از وجه نیست»^{۳۷}.

حضرت امام (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: «وقف مسلمان بر کافر ذمی و مرتد ملی ظاهراً جایز است»^{۳۸}.

دلائل قول چهارم:

بر قول چهارم می‌توانیم به دلیل چهارم و پنجم و ششم که در قول سوم گذشت استدلال کنیم. به نظر می‌رسد که این قول به واقع نزدیکتر است، لذا به عنوان نظریه نهائی انتخاب می‌شود و تفصیل آن بعد از طرح قول پنجم ورد آن خواهد آمد.

قول پنجم:

وقف مسلمان بر کافر جایز است حتی نسبت به کافر حربی و مرتد فطری.

سید یزدی (در گذشته به سال ۱۳۳۷ هـ ق) در عروة الوثقی بعد از نقل پنج قول در مورد وقف مسلمان بر کافر می‌نویسد: قول قوی عبارت است از جواز مطلقاً (حتی نسبت به کافر حربی و مرتد فطری) زیرا دلیلی بر جایز نبودن وقف مسلمان بر کافر حتی کافر حربی از آن جهت که کافر است نداریم و اینکه گفته شود کافر حربی صلاحیت مالک شدن ندارد درست نیست^{۳۹}.

ادله این نظریه:

سید می‌فرماید: دلیل بر این مدعی عبارت است از:

۱- عمومات ادله باب وقف؛

۲- عمومات ادله دلالت دارد بر ترغیب به نیکی کردن

و احسان نمودن به انسانها؛

۳- ادله‌ای که دلالت دارد بر جواز صدقه بر کافر؛

۴- آیه شریفه ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ...﴾. (ممتحنه: ۸)

نظر نهایی

از میان اقوال پنجگانه به نظر می‌رسد قول چهارم به واقع نزدیکتر است، زیرا:

اولاً: اگر چه ادله صاحب عروة شامل مطلق کافر می‌شود، لیکن در خصوص کافر حربی و مرتد فطری و ناصبی دلیل بر عدم جواز وقف مسلمان بر آنها داریم از جمله:

۱- در صحیح سدید صیرفی، امام صریحاً از احسان به کافر حربی و ناصبی نهی کرده است.

«قال، قلت لابي عبد الله عليه السلام: أتعلم سائلاً لا أعرفه مسلماً. قال: نعم. اعط من لا تعرفه بولاية ولا عداوة للحق ان الله يقول: ﴿وقولا للناس حسناً﴾ ولا تطعم من نصب بشيء من الحق او دعا الى شيء من الباطل»^{۴۰}

«از امام صادق (ع) سؤال کردم: به سائل نیازمندی که نمی‌دانم مسلمان است یا نه طعام (صدقه) بدهم یا نه؟ امام فرمود: به شخصی که نمی‌دانی دوستدار حق است یا دشمن حق صدقه (طعام) بده، زیرا خداوند می‌فرماید: با مردم به خوبی گفتگو (رفتار) کنید، ولی به ناصبی و دعوت کننده به باطل (کافر حربی) طعام (صدقه) ندهید».

بیان دلالت: بی شک «طعام» خصوصیتی ندارد، بلکه هر نوع کمک به ناصبی و کافر حربی مورد نهی است و نیز فرقی بین صدقه و وقف در این جهت نیست، پس روایت به

۳۵- عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۹۵، مطبعة سيد الشهداء.

۳۶- شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۲۱۴، منشورات الاعلمی.

۳۷- مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۸، مکتبه بصیرتی.

۳۸- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۳، مؤسسه نشر الاسلامی.

۳۹- العروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۱۴، منشورات مکتبه الداودی.

۴۰- وسائل الشیعه، ج ۶، ص



است؛ اگر چه فقها صدقه واجب زکات و خمس را از آنها منع کرده‌اند.»

۳- ابی زکریا نودی در کتاب المجموع می‌نویسد: «وان وقف علی ذمی جاز لآته فی موضع القریة و لهذا یجوز التصدق علیه فجاز الوقف علیه و فی الوقف علی المرتد و الحربی و جهان»^{۴۶}

«وقف بر کافر ذمی صحیح است، زیرا قصد قربت ممکن است، از این در صدقه دادن بر آنها جایز است، پس وقف بر آنها هم صحیح است، ولی در وقف بر مرتد حربی دو وجه است.»

۴- سیف الدین ابی بکر الشابی در کتاب حلیة العلماء می‌نویسد: «فان وقف علی حربی (او مرتد) فقیه و جهان: اصحهما انه لا یجوز و الثانی انه یجوز کما یجوز (للذمی)»^{۴۷}

«در وقف بر کافر حربی و یا مرتد دو وجه است: وجه صحیح عبارت است از صحیح نبودن و وجه دوم عبارت است از صحت وقف بر کافر حربی و مرتد؛ همان طوری که وقف بر کافر ذمی صحیح است.»

خلاصه:

۱- از مباحث اجتماعی - اخلاقی که می‌تواند در محافل و مجامع فرهنگی به عنوان یکی از اصول انسان دوستی برخاسته از قوانین اسلام مطرح شود، بحث جواز وقف مسلمان بر کافر است.

۲- این بحث از دیر باز میان فقیهان شیعه و سنی مطرح بوده و مسأله مستحدث نیست.

۳- اقوال در این بحث زیاد است و در این نوشته به پنج نظر مهم همراه با صاحبان و ادله آنها اشاره شد.

۴- آنچه به نظر نزدیک به واقع می‌رسد قول چهارم است، زیرا بعد از استثناء کافر حربی و مرتد فطری و ناصبی از قول پنجم، نتیجه قول چهارم است.

۵- در این بحث فقهای اهل سنت موافق با فقهای شیعه مشی کرده‌اند.



وضوح دلالت دارد بر نهی از وقف بر کافر حربی و ناصبی، پس با این روایت اطلاق جواز وقف بر کافر - حتی حربی و ناصبی - تخصیص زده می‌شود.

۲- در صحیحہ ابی بصیر امام می‌فرماید: «... فاذا عرفته بالنصب فلا تعط الا ان تخاف لسانه». «به ناصبی چیزی ندهید مگر از روی ترس.»

ثانیاً: ممکن است ادعا شود اطلاق و عموم ادله جواز وقف بر کافر منصرف است به کافر ذمی فقط، و شامل کافر حربی و ناصبی نمی‌گردد.

ثالثاً: کشتن کافر حربی، مرتد فطری و ناصبی واجب است و مالکیت آنها محترم نیست پس چگونه وقف بر آنها که نوعی تملیک است جایز است؟

از این روی فقها به اتفاق فتوا داده‌اند قتل کافر حربی و مرتد فطری واجب است و مالکیت آنها محترم نیست. به عنوان نمونه حضرت امام خمینی (ره) در تحریر می‌فرماید: «قول قوی عبارت است از تخییر حاکم شرع نسبت به کافر حربی بین چهار امر از جمله کشتن»^{۴۱}

ایشان درباره مرتد فطری می‌فرمایند: «مرتد فطری اگر مرد باشد کشته می‌شود و اگر زن باشد زندانی می‌گردد»^{۴۲}

ایشان در کتاب ارث می‌فرماید: «اموال مرتد فطری در زمان حیاتش بعد از اداء دیون بین ورثه تقسیم می‌گردد»^{۴۳} بدین جهت بسیاری از فقها با اینکه وقف مسلمان بر کافر ذمی را به طور مطلق صحیح دانسته‌اند، کافر حربی و مرتد فطری و ناصبی را استثنا کرده‌اند.

بنابراین ادله سید در غیر کافر حربی و مرتد فطری و ناصبی تمام است. پس نتیجه عبارت است از قول چهارم.

افزون بر این ادله، اطلاق و عموم ادله صلۀ رحم که در استدلال بر قول سوم گذشت بر قول چهارم نیز دلالت دارد.

نظریات فقیهان اهل سنت:

در خاتمه مناسب است، اقوال فقیهان اهل سنت که فی الجمله با فقهای امامیه، موافقاند مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله:

۱- ابن قدامه در کتاب المغنی می‌نویسد: «و یصح الوقف علی اهل الذمه لانهم یملکون ملکاً محترماً»^{۴۴}

۲- ماوردی بصری در کتاب الحاوی الکبیر می‌نویسد: «فاما الوقف علی الیهود و النصارى فجاز؛ سواء كان الواقف مسلماً او غیر مسلم، لان الصدقه علیهم جائزة وان منعوا المفروض منهما»^{۴۵}

«وقف بر یهودی و نصرانی جایز است؛ چه واقف مسلمان باشد یا غیر مسلمان، زیرا صدقه دادن بر آنان جایز

۴۱- تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۴۴، موسسه نشر اسلامی.

۴۲- همان، ص ۴۴۵، مسأله ۱.

۴۳- همان، ص ۳۲۹، مسأله ۱۰.

۴۴- المغنی علی مختصر

الخرقی، ج ۵، ص ۳۸۵، دار

الکتب العلمیه.

۴۵- الحاوی الکبیر فی فقه

مذهب الاسام الشافعی، ج ۷،

ص ۵۲۴، دار الکتب العلمیه.

۴۶- المجموع، شرح المذهب،

ج ۱۵، ص ۳۲۶، دار الفکر.

۴۷- حلیة العلماء فی معرفه

مذاهب الفقهاء، ج ۶، ص ۱۴،

دار الباز، مکتبه الرساله الحدیثه.